

کاظم دانش \*

محمد خزائی \*\*

تاریخ دریافت: ۹۹،۱،۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۹،۳،۲۸

## نمادشناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی

### چکیده

**بیان مسئله:** نمادهای رنگی از بارزترین نمادهایی هستند که روان انسانها را متأثر می‌سازند. رنگها در ارتباطشان با طبیعت، فرهنگ، باورهای دینی و تجارب زندگی معانی ویژه به خود اختصاص می‌دهند؛ اما در هر حال تابع موقعیت‌های زمانی، جغرافیایی، اندیشه، فرهنگ، سیاست، دین و سنت مردم هستند. هر رنگی در میان مکان حرفه یا فرهنگی خاص نماد چیزی خاص است. در فرهنگ ایرانی هم رنگها مفهوم خاص خود را دارند. مسئله این پژوهش چیستی نماد رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی است. اینکه بیان نمادین رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی چیست؟ سوآلی است که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود.

**هدف:** هدف این پژوهش بررسی نمادهای رنگ سبز و تحلیل مفاهیم نهفته در ورای آن، در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی و در نهایت آگاهی بهتر از مفاهیم نمادین ایرانی است.

**روش پژوهش:** روش این مقاله به شیوه توصیفی، تحلیلی است. در تحلیل داده‌ها از روش مقایسه‌ای و تطبیقی استفاده شده است؛ گردآوری اطلاعات نیز برآمده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

**یافته‌ها:** رنگ سبز در اندیشه و آئین میترایی گاه نماد آسمان، ماه و آب و گاهی در نماد داد و دادگری، فرشته و سروش؛ و همچنین در نظام طبقاتی جامعه قبل از اسلام نماد طبقه کشاورز بود. این رنگ در اندیشه اسلامی نیز نماد بهشت و بهشتیان، پیامبران و ائمه؛ و در عرفان و تصوف به‌عنوان مرحله‌ای از سلوک عارفانه است. طبیعت، ایمان، خرد و دانایی، جوانی و نشاط و... دیگر نمادهای رنگ سبز هستند.

### کلیدواژه:

رنگ سبز، نماد، فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی

دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران\*

[k.danesh@tabriziau.ac.ir](mailto:k.danesh@tabriziau.ac.ir)

استاد گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران\*\*

[mohamad.khazaei@gmail.com](mailto:mohamad.khazaei@gmail.com)

## مقدمه

یکی از مباحث مهم در شناخت فرهنگ جوامع بشری، بررسی معانی و جایگاه رنگ‌ها در آثار هنری و ادبی آن جوامع است. گاهی ممکن است گروه‌های فعال اجتماعی یا سیاسی تحت تأثیر محیط طبیعی، روحیه، اندیشه، مسلک و دیگر عوامل به رنگی تمایل داشته و به‌عنوان رنگ تن‌پوش، پرچم و یا کلاه خویش اختیار کنند. هنرمندان و شاعران نیز برای ملموس و عینی کردن تصاویر ذهنی و شاعرانه خویش و توضیح مفاهیم بیان‌نشده، از نمادهای رنگی استفاده می‌کنند. مخاطب نیز با تحلیل رنگ‌ها در یک نوشته ادبی یا یک اثر هنری و تصویری، می‌تواند به افکار و عواطف شاعر یا هنرمند و نیز موضوع و درون‌مایه اثر دست یابد. قدما در بعضی موارد، برخی رنگ‌های مشابه را یکسان پنداشته و بر آن‌ها نام واحدی در نظر می‌گرفتند مثلاً رنگ‌های نیلی، بنفش و لاجوردی در معنای سیاه؛ صورتی و انواع قرمز را سرخ و آسمان و دریا را سبز می‌پنداشتند. هدف این پژوهش بررسی نمادهای رنگ سبز و تحلیل مفاهیم نهفته در ورای آن، در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی و در نهایت آگاهی بهتر از مفاهیم نمادین ایرانی است. در این پژوهش تلاش می‌شود به این سؤال که بیان نمادین رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی چیست؟ پاسخ داده شود.

## روش پژوهش

مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی با تحلیل داده‌های به روش مقایسه‌ای و تطبیقی ارائه شده است. گردآوری اطلاعات نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. در نمونه‌های تصویری سعی شده از آثار هنرمندان تراز اول مکاتب نگارگری ایران استفاده شود.

## پیشینه پژوهش

درباره مفاهیم نمادین رنگ‌ها در فرهنگ ایرانی و اسلامی، تحقیقات متعددی صورت گرفته است از جمله: «خیراله محمودی و معصومه بخشی زاده» (۱۳۹۲) در مقاله «مزرع سبز فلک‌نگاهی انتقادی به شعر حافظ»، به این موضوع پرداخته‌اند. «زرین تاج‌واردی و آزاده مختارنامه» (۱۳۸۶) در پژوهشی به نام «بررسی رنگ در حکایت‌های هفت‌پیکر نظامی»، «مریم مونس‌سرخه و همکاران» (۱۳۹۴) در پژوهشی به نام «نوع لباس و نمادهای رنگ در عرفان اسلامی» «ناصر نیکویخت و سید علی قاسم‌زاده» (۱۳۸۷) در پژوهشی به نام «سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی اسلامی» در پژوهش دیگری «خشایار قاضی‌زاده و محمد خزایی» (۱۳۸۴) به نام «مقامات رنگ در هفت‌پیکر نظامی و تجلی آن در نمونه‌ای از آثار نگارگری» به حوزه مرتبط با این موضوع پرداخته‌اند. پژوهش‌های گفته شده، بیشتر به بازتاب‌های ادبی و دیدگاه شاعر یا گروهی خاص در استفاده از نماد سبز پرداخته‌اند، در مقاله حاضر سعی شده تا با تطبیق منابع ادبی، اسطوره‌ای و عرفانی با نگاره‌ها به برخی از جنبه‌های نمادین رنگ سبز که به صورت غیرمستقیم و پنهان در لابه‌لای این متون بوده و تاکنون بدان‌ها اشاره‌ای نشده است، بپردازیم.

## نمادهای رنگ سبز

رنگ سبز از دیرباز در فرهنگ مردمان ایران زمین جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ چنانچه خواص و عوام به انحای مختلف از ویژگی‌های نمادین آن برای بیان اندیشه‌های خویش بهره برده‌اند. برخی از این معانی نمادین ریشه در اساطیر و تاریخ دارد که با گذشت دوره‌های تاریخی معانی خویش را حفظ کرده و به ما رسیده‌اند. از آن جمله رنگ سبز نماد آسمان، کشاورز و کشاورزی، داد و دادگری، سروش و فرشته، بهشت و بهشتیان، پیامبر و ائمه، ماه و آب، خرد و دانایی، ایمان و عقیده راسخ، نشاط و جوانی و نماد توکل در عرفان و تصوف است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱. آسمان

آسمان در اساطیر زردشتی بیشه مانند و سبزرنگ می‌نماید و از روشنی آسمان، نطفه مردمان و گاوآفریده می‌شود (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۹۳-۹۴؛ فرنبرگ دادگی، ۱۳۷۸: ۴۱) سبز پنداشتن آسمان در اشعار شاعران هم راه یافته است که بخشی از این سبزی ریشه در اسطوره دارد و بخشی نیز به یکی پنداشتن سبز و آبی برمی‌گردد (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

که آویخته است اندرین سبز گنبد	مرا این تیره گوی درشت کلان را (ناصر خسرو)
اینک آن جویی که چرخ سبز را گردان کند	اینک آن رویی که ماه و زهره را حیران کند (مولوی)
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو (حافظ)

### ۲. کشاورز و کشاورزی

در ایران قبل از اسلام، افراد طبقات سنتی جامعه، برای معرفی شخصیت طبقاتی خویش جامه‌هایی با رنگ‌های گوناگون می‌پوشیدند. در متون اوستایی از سه طبقه و بعد از آن از چهار طبقه: پادشاه و روحانیان، ارتشتاران، کشاورزان و صنعتگران و نیز در متون پهلوی طبقه دبیران نیز اضافه شد. جامه موبدان سفید، ارتشتاران سرخ، دبیران زرد و کشاورزان به رنگ کبود (سبز) بود. (بهار، ۱۳۸۴: ۷۴) دکتر نامور مطلق در این زمینه می‌گوید: «جالب است که رنگ پیشه‌وران سبز و به گیاهان مرتبط می‌شود، رنگ جنگاوران سرخ و رنگ شهriاران سفید است. شاید کسی که این رنگ‌ها را [برای رنگ پرچم ایران] انتخاب می‌کرده است، ناخودآگاه به شعار کوروش توجه داشته که می‌گوید: «من از سه چیز دروغ، دشمن و خشک‌سالی برای ملت خود بیم‌گاه هستم» دروغ برای شهرياران بزرگ‌ترین بیم است، دشمن برای جنگاوران و خشک‌سالی برای پیشه‌وران بزرگ‌ترین خطر است زیرا کار اصلی آن‌ها کشاورزی و دامداری است»<sup>۱</sup>

### ۳. داد و دادگری

یکی از قدیمی‌ترین آیین‌های مذهبی در ایران آیین مهری است که رنگ سبز در آن سمبل مبارزه با بیداد است. نمود آن‌را در اساطیر ایرانی می‌توان یافت. فریدون شخصیت اساطیری و پادشاه پیشدادی به یاری کاوه برضحاک بیدادگر چیره شده؛ و او را در کوه دماوند به بند می‌کشد. او جشن مهرگان را پایه‌گذاری می‌کند فردوسی او را فردی دادگر معرفی می‌کند و درباره دعوت انسان‌ها به دادگری؛ فریدون و عدالت او را مثال می‌آورد:



تصویر ۱.

به بند کشیده شدن ضحاک  
در کوه دماوند. منبع:  
[www.pinterest.co.uk](http://www.pinterest.co.uk)

فریدون فرخ فرشته نبود / ز مشک و ز عنبر سرشته نبود  
بداد و دهش یافت آن نیکوئی / تو داد و دهش کن فریدون تویی

همان طور که در تصویر ۱ دیده می شود فریدون به عنوان فردی دادگر در مقابل بیداد ضحاک نشان داده شده است که لباسی به رنگ سبز بر تن دارد. در شاهنامه فردوسی پرده سرای رستم به رنگ سبز است. در داستان سهراب، هنگامی که از «هژیر»، نشانی های پهلوانان ایرانی را می پرسد، چشمش به سراپرده ای سبزرنگ می افتد:

پرسید کان سبز پرده سرای / یکی لشکری گشن پیشش به پای  
یکی تخت پرمايه اندر میان / زده پیش او اختر کاویان  
برو برنسته یکی پهلوان / ابا فر و با سفت و یال گوان

همچنین در داستان مربوط به خاقان چین نیز می خوانیم:

سراپرده سبز دیدم بزرگ / سپاهی به کردار درنده گرگ  
یکی ازدهافش درفشی بیای / نه آرام دارد تو گفتمی نه جای

رستم در باور ایرانیان نماد پهلوانی و دادگری است که همواره در برابر ظلم ایستاده و مانع بی عدالتی می شود در داستان اسفندیار می خوانیم اسفندیار که متولی دین زرتشتی است از طرف گشتاسب مأموریت می یابد تا رستم را به دین جدید بیاورد و اگر نپذیرفت دست بسته او را به نزد شاه آورد. چون رستم وفادار به آیین مهری است دعوت را نمی پذیرد. در نگاره های متعددی او را با لباسی به رنگ سبز نشان می دهند. (تصویر ۲)



تصویر ۲.

رزم رستم و اسفندیار. منبع:  
[www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)

بنا بر مدارک موجود اشکانیان بر آیین مهری بودند. عدم گزارش حتی یک مورد شورش مردمی علیه نظام پادشاهی آن ها نشان می دهد که ایشان نظام پادشاهی بر اساس عدالت داشتند. آن ها رنگ سبز را برای شناسایی خود انتخاب نموده بودند. بنا به نوشته های «ابن اسفندیار» در «تاریخ طبرستان» و نیز «مولانا اولیا اله آملی» در «تاریخ رویان» از انوشیروان حکایت می کنند، هنگامی که انوشیروان با «هفتالیان» در جنگ بود گروهی سبزپوش به کمک وی می آیند: «ناگاه سه هزار سوار آراسته، با علم های سبز و سلاح و آلات و برگستوان های زرین و جامه های نفیس و گرانمایه و اسبان بی نظیر، همه اسب و مرد غرق سلاح که از ایشان جز چشم آشکار نبود، همه سبز پوشیده، برکنار لشکر انوشیروان گذر کردند.» (مولانا اولیا اله آملی، ۱۳۱۳: ۲۳-۲۴) هیچ کدام لشکر ندانستند ایشان چه کسانی هستند بعد از جنگ انوشیروان از آن ها می خواهد که خود را معرفی کنند و ایشان خود را فرزندان «سوخرا» معرفی می کنند. سوخرائیان از خاندان اشکانی و از فرزندان قارن (کارن) بودند که پیشینه نژادشان در اساطیر به کاوه آهنگر می رسد. (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۴: ۷۳۰) فردوسی در شاهنامه بهرام چوبین را از خاندان مهران و اشکانی معرفی می کند. بهرام در جنگ با خسرو پرویز لباس سبز بر تن داشت. (تصویر ۳) نظامی در مخزن الاسرار، داستان پیرزنی را نقل می کند که روزی بر سر راه سنجر سلجوقی می آید و سلطان را عامل جنایت هایی می شمارد که شحنه او نسبت به مردم روا می دارد:

کای ملک آرم تو کم دیده ام / وز تو همه ساله ستم دیده ام  
گر ندهی داد من ای شهریار / با تو رود روز شمار این شمار  
داوری و داد نمی بینمت / وز ستم آزاد نمی بینمت

اما سنجر شکایت پیرزن را به سخره و آسان می گیرد و در نتیجه دیری نمی پاید که مملکت خراسان را به ویرانی می کشاند. در نگاره های تظلم خواهی پیرزن، نگارگران سلطان سنجر را در مقام دادور و قاضی قرار داده اند و پیرزن از او دادخواهی می کند در این نگاره ها نیز سلطان را در لباسی به رنگ سبز نشان می دهند. (تصویر ۴) عدل کن با خویشان تا سبزپوشی در بهشت / عدل ازیرا خاک را می سبز چون مینا کند (ناصر خسرو)



تصویر ۳.

حمله شبانه بهرام به اردوی  
خسرو پرویز. منبع:  
[www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)

## تصویر ۴.

تظلم خواهی پیرزن از سنجر.

منبع: [www.britishmuseum.org](http://www.britishmuseum.org)

## تصویر ۵.

داوری سلیمان. منبع: [www.asia.si.edu](http://www.asia.si.edu)

## تصویر ۶.

فرود آمدن سروش برای یاری خسرو پرویز.

منبع: [www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)



۶

۵

۴

در قرآن در مورد مقام قضاوت حضرت سلیمان (ع) چنین آمده است: «ما به هر یک از داود و سلیمان مقام داوری و علم عطا کردیم» (انبیا: ۷۹). در داستانی از کتاب مقدس دو زن به نزد سلیمان می آیند و ادعا می کنند که مادر کودکی هستند و از سلیمان درخواست می کنند که بین آن‌ها قضاوت کند. در داستان دیگری پیرزنی که بر اثر وزش باد از بام افتاده و دستش شکسته بود نزد سلیمان آمده و از باد شکایت می کند. هر دو داستان مربوط به قضاوت حضرت سلیمان، در نگاره‌ای از هفت‌اورنگ جامی در یک تصویر ارائه شده است. در این نگاره حضرت سلیمان (ع) در مقام داور و قاضی، لباسی سبزرنگ بر تن دارد (تصویر ۵).

## ۴. سروش و فرشته

سروش فرشته ایست که جامه‌ای سبز می پوشد تا رنگ آسمانی و قدسی او برجسته شود. از ویژگی‌های سروش یاری دلیران و رزمندگان است. سروش و امشاسپند اردیبهشت از حامیان رستم هستند و او را در کدخدایی آبرشهر (آبرنگ) یاری می‌رسانند. در شاهنامه در جنگ دوم میان خسرو پرویز با بهرام چوبین، خسرو شکست خورده در حالی که دشمن او را محاصره کرده، از خدا کمک می‌طلبد (تصویر ۶).

همان گه چو از کوه بر شد خروش / پدید آمد از راه فرخ سروش  
یکی جامه‌اش سبز و خنگی به زیر / ز دیدار او گشت خسرو دلیر

«فخرالدین اسعد گرگانی» نیز در کتاب «ویس و رامین» می‌گوید:

به خواب اندر فراز آمد سروشی / جوانی، خوب‌روئی، سبزپوشی

همچنین سروش یکی از داوران مینوی به‌مراه ایزد مهر و رشن، وظیفه قضاوت و داوری بر روان درگذشتگان و هدایت و دستگیری از روان نیکان و پارسایان برای عبور از پل چینود را دارد.

در بیت زیر «نظامی»، سروش و فرشتگان را سبزپوش معرفی می‌کند:

نهان پیکر آن هائف سبزپوش / که خواند سراینده آن را سروش (نظامی)

«علی بن موفق یکی از بزرگان بوده است، گفت: یک سال حج کردم شب عرفه دو فرشته را به خواب دیدم که از آسمان فرود آمدند- با جامه‌های سبز...» (غزالی، ۱۳۷۴: ۲۱۸-۲۱۹)

## ۵. بهشت و بهشتیان

در قرآن رنگ پوشش بهشتیان سبز معرفی شده است. «آنان بر بالش‌هایی تکیه زده‌اند که با پارچه‌های سبزرنگ و فرش‌های کمیاب آراسته شده است.» (الرحمن: ۷۶) «آن‌ها با دستبندهایی از طلا آراسته خواهند شد و به لباس‌هایی سبزی از ابریشم ظریف و زریفت ملبس خواهند شد.» (کهف: ۳۱) وقتی از پیامبر (ص) در مورد ابواب بهشت سؤال می‌شود حضرت پاسخ می‌دهند باب الرحمه از یاقوت سرخ، باب الصبر دارای مرصعی از یاقوت سرخ، باب البلا از یاقوت زرد است و باب الشکر رنگی به یاقوت سبز دارد و در ابتدای باب العظم ملائکه‌ای از نور با پوشینه‌هایی به شدت سبز حضور دارد. همچنین در معراج «بال‌های سبز جبرئیل رنگ‌های سبز، زرد، قرمز و سفید...؛ پلکانی از زمرد سبز، طلا و نقره به سوی آسمان که از طریق آن پیامبر عروج کرد؛ دریایی از نور زرد و سبز که پیامبر در آن غوطه‌ور شد. هفتاد هزار پرده از مرواریدهای سفید و زمردهای سبز. رنگ فرشتگان، رنگ آسمان‌ها و هر آنچه از زیبایی در آن است. رنگ سبزی زمردی «لوح محفوظ»... کوه قاف که از زمرد سبز ساخته شده و شامل جهان زمینی و طاق آسمان است که از آن رنگ سبز خود را دریافت کرده و الی آخر» (العظمه، ۱۹۸۲: ۱۷-۴۶).

## ۶. پیامبر و ائمه

سبز در اسلام، رنگی مقدس و با پیامبر اسلام (ص) و خضر مرتبط است. در «اوراد الاحباب» آمده است: «انس بن مالک می‌گوید که رسول خدا رنگ سبز را از جمله رنگ‌ها دوست‌تر داشتی و جامه اهل بهشت سبز است.» (باخزری، ۱۳۴۵: ۳۷). در روایات آمده که هنگام تولد پیامبر اسلام (ص) جبرئیل به زمین آمده و پرچم سبزی را بر فراز کعبه برافراشت. (الدیار بکری، بی تا، ج ۱، ص: ۱۸۵) در هنگام ازدواج ایشان با خدیجه (س)، حضرت رسول لباس سبز پوشیده بودند (بکری، ۱۳۷۳: ۳۴۱). به نقل بعضی از مورخان دیده شده که پیامبر (ص) هنگام طواف لباس سبز می‌پوشیدند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۵۰) جبرئیل (ع) در شب قدر در حالی نازل می‌شود که همراه وی لوای سبزرنگی است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۳). رنگ «زرف» مرکب حضرت رسول (ص) در عروج از مسجدالاقصی برای سفر آسمانی، سبز است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۲۱) (تصویر ۷). حضرت خضر را نیز سبزی پوش می‌دانند. از معجزاتش این بود که روی هر زمین خشکی می‌نشست، زمین سبز و خرم می‌گشت و دلیل نامش، خضر (سبز) نیز همین است. البته در داستان خضر، آب حیات نقش مهمی ایفا می‌کند که ارتباط وی را با رنگ سبز نشان می‌دهد (تصویر ۸).

جهان پر از خضر سبزی پوش دانی چیست که جوش کرد ز خاک و درخت آب حیات (مولوی)

در منابع آمده که دو لباس از بهشت برای پیامبر (ص) فرستاده شد و پیامبر لباس سبزرنگ را به امام حسن (ع) و لباس قرمز را به امام حسین (ع) دادند (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۴۴: ۲۴۶) در فرهنگ تشیع، سبز نشانه‌ای از معصومیت و شعار بنی‌هاشم است؛ در نقاشی‌های ایرانی حضرت علی (ع) را با دستار سبز می‌کشند (تصویر ۹)، سادات نیز برای متمایز ساختن خود از دیگران از شال یا عمامه سبز استفاده می‌کرده‌اند (شهری باف، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۳۲). آنچه از سبز به عنوان لباس رسمی بنی‌هاشم یاد شده در زمان مأمون عباسی است: «امیر مؤمنان، علی بن موسی را ولیعهد خویش کرده از آن‌رو که بنی علی را نگریسته و کسی را برتر و پرهیزگارتر و داناتر از او نیافته و او را رضای آل محمد نامیده و دستور داده که پوشیدن جامه‌های سیاه را بگذارند و جامه‌های سبز بپوشند... و به عیسی و یاران وی و سپاه و سرداران و بنی‌هاشم دستور می‌داد که با وی بیعت کنند و وادارشان کند که قباها و کلاه‌های

# سبز

فصل نامه، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

نمادشناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی

دوره نهم، شماره ۱۹، بهار ۹۹

۲۴

سبز بپوشند و پرچم‌ها را سبز کنند و همه مردم بغداد را بدان وادار کند» (طبری، ۱۳۶۴، ج ۱۳: ۵۶۶۰ و بیهقی، ۱۳۸۱: ۱۹۱) (تصویر ۱۰).

بنا به توصیف مستوفی در دوره ناصری، شبیه امام حسین معمولاً قبای راسته سفید، شال و عمامه سبز، عبای ابریشمی شانه زری سبز یا سرخ می‌پوشید (مستوفی، ۱۳۸۸: ۲۸۹) و شبیه حضرت عباس (ع) با ردا و علم سبز به نشانه علم‌داری، پر سبز بر کلاه‌خود استوار کرده و کمربندی سبزرنگ بر کمر می‌بندد (عنصری، ۱۳۶۶: ۲۳۷) (تصویر ۱۱).

«به‌آفرید» از اهالی زوزن خراسان در زمان ابومسلم ادعای پیامبری می‌کند. وی هنگام دعوی پیامبری جامه سبز به تن کرده بود. به‌آفرید پیش از آن که دعوی پیامبری خویش آشکار کند سفری به چین می‌کند؛ وقتی از سفر چین بازگشت پیراهن سبزرنگ نازک و حریر با خود آورد و شب بر بالای گنبدی رفت و آن‌جا پنهان شد و صبح از آن‌جا فرود آمد لباس بر تن کرد و ادعا کرد که هفت سال در آسمان بوده و بهشت و جهنم را بر او نشان داده‌اند و خداوند بر وی وحی کرده و این پیراهن به او داده است (صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۵۳-۱۵۵). «مجد خوافی» نیز گوید که به‌آفرید «از ظرایف چین بسیار با خود آورد و از آن جمله پیراهنی سبز بود که چون در پیچیدی در قبضه ناپدید می‌شدی...» (اقبال: ۱۳۰۹: ۹۷) (تصویر ۱۲).



۱۱

۱۰

۹

۸

۷

تصویر ۷. معراج حضرت محمد (ص). منبع: [www.britishmuseum.org](http://www.britishmuseum.org)

تصویر ۸. حضرت خضر و الیاس. منبع: [www.pinterest.co.uk](http://www.pinterest.co.uk)

تصویر ۹. حضرت علی (ع) و حسین(ع). منبع: [www.pinterest.co.uk](http://www.pinterest.co.uk)

تصویر ۱۰. رزم امام رضا و دیو. منبع: [www.pinterest.co.uk](http://www.pinterest.co.uk)

تصویر ۱۱. بار یافتن مسلم نزد امام حسین(ع). منبع: [www.pinterest.co.uk](http://www.pinterest.co.uk)

## ۷. ماه و آب

ابوریحان بیرونی در «التفهیم» روزهای هفته را شرح داده و روز دوشنبه را مربوط به سیاره ماه و رنگ آن را سبز دانسته است. «ماه سعد و منحست از دیگران پذیرنده، از رنگ‌ها به کبودی یا زردی یا تیرگی... و به روز دوشنبه و اقلیم هفتم (چین و ما چین) ... دلالت دارد» (بیرونی، ۱۳۱۸: ۳۵۸). همچنین به هشت طبقه آسمان اشاره می‌کند: فلک‌ها هشت گوی‌اند یک بر دیگر پیچیدن، همچون پیچیده تویی‌های پیاز. خردترین فلک‌ها آن است که به ما نزدیک‌تر است و ماه اندر او همی رود و همی برآید ... (بیرونی، ۱۳۶۷: ۵۶). اما «سیوطی» و «میبدی» آسمان را هفت طبقه دانسته و طبقه هفتم را متعلق به ماه و آسمان سبز می‌داند (سیوطی، ۱۴۰۴:

# پیکره

فصل نامه، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز  
نمادشناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی  
دوره نهم، شماره ۱۹، بهار ۹۹

۲۵

۴۲-۴۱ و میبیدی، (۱۳۷۱: ۳۸۲) در اندیشه مزدایی بهشت در طبقه دوم آسمان و متعلق به ماه است. در آیین مهری فلک پنجم متعلق به ماه است و علامت آن داس است (خیره زاده، ۲۵۳۶: ۱۰۸).

در «منظومه هفت پیکر» نظامی «بهرام گور» روز دوشنبه به دیدار شاهدخت گنبد سبز می رود. داستان در مورد مردی به نام بشر پرهیزگار است، بنابر متن حکایت، بشر بر حسب تصادف زنی را در بازار دیده و عاشقش میگردد. از آنجا که بشر مردی پرهیزگار است برای دوری جستن از گناه به خانه خدا پناه می برد. در راه بازگشت با ملیخا مدعی همسفر می شود که با مرگ ناگهانی ملیخا، بشر به معشوقه خود می رسد. بشر به میمنت ازدواج با معشوقه، جامه سبز بر تن می کند. در این داستان آب نقش مهمی ایفا می کند که ارتباط وی را با ماه و رنگ سبز نشان می دهد (تصویر ۱۳).

تصویر ۱۲.

خروج به آفرید. منبع: [www.pinterest.co.uk](http://www.pinterest.co.uk)

تصویر ۱۳.

داستان خیر و شر.

منبع: [www.britishmuseum.org](http://www.britishmuseum.org)

تصویر ۱۴.

بهرام گور در گنبد سبز.

منبع: [www.metmuseum.org](http://www.metmuseum.org)

تصویر ۱۵.

اسکندر و حکما. منبع: [www.pinterest.co.uk](http://www.pinterest.co.uk)



۱۵

۱۴

۱۳

۱۲

## ۸. خرد و دانایی

نظامی در داستان گنبد سبز، بانوی اقلیم سوم را به خردمندی توصیف می کند: (تصویر ۱۴)

زان خردمند سرو سبز آرنگ خواست تا از شکر گشاید تنگ

چنان که دیده می شود در این جا سبز، نشانگر خردمندی و نمادی از فرد داناست. در این بیت سعدی نیز نمادی از آگاهی و معرفت است.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری ست معرفت کردگار

جامی، اسکندر را حکیمی دانش دوست و صاحب تعلیمات پندآمیز معرفی می کند.

سکندر که گنجینه راز بود در گنج حکمت بدو باز بود

نظامی نیز اسکندر را در هیئت فیلسوفی فرمانروا، حکیمی فرزانه و پیامبری دین پرور معرفی می کند. (نگاره ۱۵)

گروهی ش خوانند صاحب سریر ولایت ستان بلکه آفاق گیر

گروهی ز دیوان دستور او به حکمت نبشتند منشور او



گروهی ز پاکی و دین پروری پذیرا شدندش به پیغمبری  
من از هر سه دانه که دانا فشاند درختی برومند خواهم نشاند

## ۹. ایمان و عقیده راسخ

با توجه به این که مؤمنین صابر هستند و در شدايد زندگي واجد ملكة صبر مي باشند، در علم روانشناسي نيز صفت صبر را با رنگ سبز نشان مي دهند، لذا مؤمنين، صفات و كلام آن ها، با رنگ سبز به نمايش درآمده است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۴۱۹) به کارگیری رنگ سبز در این شعر سعدی، بر ایمان و عقیده دینی و بینش عارفانه او دلالت دارد.

رنگ قبول مردان سبز و سفید باشد نقش خیال رویش در هر پسر نباشد  
«کمال الدین بهزاد» در نگاره ۱۶، لباس یوسف (ع) را سبز انتخاب کرده که مبین اعتقاد و ایمان ذاتی پیامبر خداست و در برابر آن رنگ قرمز برای لباس زلیخا انتخاب شده که نشان از شهوت و عشق زمینی زلیخا دارد. در این جا سبز نماد لباس پیامبران نیز بکار رفته است.

تصویر ۱۶.

www.pinterest.co.uk: منبع. فرار یوسف از وسوسه زلیخا. منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۱۷.

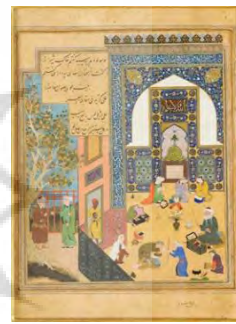
www.pinterest.co.uk: منبع. سعدی و جوان کاشغری. منبع: www.pinterest.co.uk

تصویر ۱۸.

www.pinterest.co.uk: منبع. سماع درویشان. منبع: www.pinterest.co.uk



۱۸



۱۷



۱۶

## ۱۰. نشاط و جوانی

در نظر شعرا شادابی و نشاط از روحيات دوره جوانی است. همان طور که گشت زار به هنگام سرسبزی با حرکت نسیم با ناز این سو و آن سو می رود و چون زرد شد درهم شکسته می گردد، انسان هم در جوانی، سرشار از پویایی و تحرک بوده و با ناز و خرامان راه می رود، اما چون به پیری می رسد سست، خمیده و پژمرده می شود:  
چَمَد تا جوان است و سرسبز، خوید شکسته شود چون به زردی رسید (سعدی)  
و گاهی موی نودمیده بر رخسار یار را به سبزه هایی که برگرد چشمه آب حیات روییده تشبیه می کنند:  
ز عذارت خط سبز و ز گفت خط سیاه چون نبیند ز خط صبر بلا باد پدر (خاقانی)  
در نگاره ۱۷ بهزاد بر اساس این نمود جوان را در لباس سبز کشیده است.

## ۱۱. رنگ مرحله ای در عرفان و تصوف نماد توکل، معرفت، آرامش نفس، قناعت و پذیرش توبه

منظومه هفت پیکر نظامی که مراحل سلوک بهرام گور است، سومین مرحله سلوک، گنبد سبز است. در داستان این گنبد بشر با توکل و تسلیم بر خدا به مقصد نهایی می رسد. سبز در اینجا نشان توکل به خداوند و توسل و پرهیز از تکبر است. (تصویر ۱۴)

رنگ سبز در عالم تصوف و عرفان، رنگ عالی‌ترین مقام رمزی است. سبز رنگ مرحله سوم از هفت شهر عشق و مرحله معرفت و یقین است. «حاتم اصم» می‌گوید: «صوفی باید چهار نوع مرگ را قبول کند که یکی مرگ سبز (موت الاخضر) است به معنی پوشیدن لباس خشن و زبر» (حقیقت، ۱۳۶۷: ۲۹ و گیلانی، ۱۳۹۳: ۱۹)

در باور عرفانی علاءالدوله سمنانی در مسیر تکامل سالک، هفتمین رده مربوط به اندام لطیفه حقیقه است که به حضرت محمد (ص) تأویل شده و رنگ آن سبز است. به تعبیر او صفت خاص حق است، منزله از حلول و اتحاد و مقدس از اتصال و انفصال متجلی شود و پرده او سبز باشد و آن سبزی، علامت حیات شجره وجود باشد (سمنانی، ۱۳۸۳: ۳۰۴). در باور نجم رازی نیز مراحل سلوک به هفت گام رده‌بندی شده است که در گام چهارم آن نور سبز دیده می‌شود که نشانه آرامش روان (نفس آرام یافته، نفس مطمئنه) است (کرین، ۱۳۸۷: ۱۵۷). در بینش عرفانی سید محمد نوربخش نیز رنگ سبز نماد آرامش و نفس مطمئنه است. قلب انسان که منزل و محمل حضور حضرت حق است رنگی به رنگ سبز دارد. نجم‌الدین کبری در تعبیر و تأویل خواب‌ها رنگ سبز را در خواب‌های مثالی نماد حیات قلب است. نجم‌الدین کبری (۱۹۹۳: ۱۳۲) می‌گوید: رنگ سبز نشانه زندگی و نشاط است. در نزد وی، رنگ سبز بالاترین رنگ است حتی زمانی که همه رنگ‌های دیگر خاموش شده باشند، رنگ سبز باقی می‌ماند. در بیان رنگ خرجه‌ها در فتوت نامه‌ها: «بدان که الوان خرجه مختلف است ... و هر رنگی از آن طایفه‌ای است... اگر پرسند که لون سبز از آن کیست؟ بگوی رنگ سبز، رنگ سبزه و آب است و از آن عالی‌همتان و زنده‌دلان است و این رنگ را حضرت رسالت بسیار پوشیدی و به‌غایت پسندیدی ... و هر که این رنگ جامه (پوشید باید که چون سبز) خندان و خرم باشد و مانند آب حیات‌بخش و دلپذیر باشد.» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۶۷). رنگ خرجه طریقت علویه قادریه صادقیه در ابتدا فقط سفید بوده که در سیری در روز تولد حضرت علی (ع) اجازه پوشیدن خرجه به رنگ سبز که به علت قبولی توبه سالکین طریقت از طرف حضرت حق و شفاعت پذیری پیران این طریقت بوده، توسط بنیان‌گذار این طریقت اخذ گردیده است.<sup>۳</sup>

در نگاره ۱۸ از کمال‌الدین بهزاد، هنرمند درویشان را در سماع به تصویر کشیده است او که خود از نقشبندیه بود با آشنایی از مراتب و درجات هفت‌گانه تصوف و جنبه نمادین رنگ‌ها در این فرقه‌ها، آن‌ها را بازنمایی کرده است. حالات و رنگ خرجه‌های در این جمع درویشان نشان از قرارگیری هر یک از آن‌ها در مرتبه‌ای از سلوک عارفانه است.

## نتیجه

در جوامع مختلف بشری برای رنگ‌ها مفاهیم نمادین در نظر گرفته شده است که در بسیاری موارد تا به امروز باقی‌مانده و حفظ شده‌اند. در تاریخ ایرانی و ایرانی - اسلامی گروه‌های مختلفی مانند قزلباشان، خرم‌دینان، سبزپوشان اشکانی، سیاه‌جامگان و حروفیان و ... از جنبه‌های نمادین رنگ برای بیان اهداف خاص سیاسی و اجتماعی خود استفاده کرده‌اند. با مطالعه و تطبیق داده‌ها در منابع ادبی، اسطوره‌ای و عرفانی با نگاره‌ها می‌توان به موارد بیان‌نشده آن‌ها در لابه‌لای لایه‌های پنهان شده و جنبه‌های نمادین رنگ‌ها در این متون پی‌برد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که رنگ سبز در اندیشه میترایی و مزدایی گاه نماد آسمان، ماه و آب و گاهی در نماد داد و دادگری، فرشته و سروش؛ و همچنین در نظام طبقاتی جامعه قبل از اسلام نماد طبقه کشاورز بود. این رنگ در اندیشه اسلامی نیز نماد بهشت و بهشتیان، پیامبران و ائمه؛ و در عرفان و تصوف به‌عنوان مرحله‌ای از سلوک عارفانه است. ایمان و عقیده راسخ، خرد و دانایی، جوانی و نشاط و... دیگر نمادهای رنگ سبز هستند.

## پی‌نوشت

۱. مصاحبه خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» با دکتر بهمن نامور مطلق با عنوان «ناموسی به نام پرچم» به تاریخ یکشنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۷. ناموسی - به نام - پرچم <http://www.isna.ir/news/97071408019>
۲. هفتالیان نوادگان مردم ایرانی تباری بودند که در آسیای میانه و باختر چین به دامداری و کوچ‌روی مشغول بودند اما به تدریج توسط اقوام ترک-مغول به جنوب و جنوب‌غربی محل سکونتشان رانده شده و در آنجا حکومت‌هایی تأسیس کردند. در سال ۵۶۷ میلادی به دست قوای مشترک انوشیروان و گوک ترک‌ها از بین رفتند.
۳. «خرقه و فلسفه آن در طریقت علویه قادریه صادقیه» سه‌شنبه ۹ شهریورماه سال ۱۳۹۵. <https://sadeghi1374.blogsky.com/1395/06/page/2>

## منابع

- قران مجید
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۴). الطبقات الکبری. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آملی، مولانا اولیا اله (۱۳۱۳). تاریخ رویان. به تصحیح عباس خلیلی. تهران: کتابخانه اقبال.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷). اسطوره بیان نمادین. چاپ اول. تهران: سروش.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی (۱۳۵۴). نگاهی به سوخرائیان. گوهر. شماره ۶۳۳. صص ۷۲۸ - ۷۳۳
- العظمی، نظیر (۱۹۸۲). معراج و نمادگرایی عرفانی. بیروت: دارالبحث
- اقبال، عباس (۱۳۰۹). ذکر بعضی از آثار مفقوده نثر فارسی. مجله شرق. شماره ۲. صص ۹۳-۱۰۳
- باخزری، ابوالمفاخریحیی (۱۳۴۵). اورادالاحباب و فصوص الآداب، (ج ۲). به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بکری، احمد بن عبدالله (۱۳۷۳). الأنوار فی مولد النبى، چاپ اول، قم: الشریف الرضی
- بیرونی، ابوریحانی (۱۳۱۸). التفهیم به تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: ملک
- بهار، مهرداد (۱۳۸۴). پژوهشی در اساطیر ایران. چاپ پنجم. تهران: آگاه.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۷۸). تاریخ بیهقی به کوشش خطیب رهبر. تهران: قطره
- تاج‌واردی، زرین؛ مختارنامه، آزاده (۱۳۸۶). بررسی رنگ در حکایت‌های هفت‌پیکر نظامی. ادب پژوهی. دوره ۱. شماره ۲. ۱۶۷-۱۸۹
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۷). تاریخ عرفان و عارفان ایرانی. تهران: کوشش
- حسین بن محمد بن الحسن الدیار بکری (بی تا). تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس، (ج ۱). بیروت: دار صادر
- خبره‌زاده، علی اصغر (۲۵۳۶). جدال نور و ظلمت. تهران: آبان
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). تفسیر الدر المنثور، قم: دارالمنشورات کتابخانه مرعشی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). امالی المفید، کنگره شیخ مفید، قم.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲). جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری. تهران: پازنگ.
- شهری باف، جعفر (۱۳۸۳). طهران قدیم، چاپ ۴، تهران، جلد ۲: نشر معین
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۴). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ دوم. تهران. ج ۱۳: اساطیر.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی

- عنصری، جابر (۱۳۶۶). درآمدی بر نیایش و نمایش در ایران. چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی.
- غزالی، محمد (۱۳۷۴). کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: علمی و فرهنگی
- قاسمی، ریحانه (۱۳۹۶). رنگ فرمانروای فرهنگ. چاپ اول. تهران: نسیم تحول.
- قاضی‌زاده، خشایار؛ خزایی، محمد (۱۳۸۴). مقامات رنگ در هفت‌پیکر نظامی و تجلی آن در نمونه‌ای از آثار نگارگری. پژوهش هنر اسلامی، شماره ۳. صص ۷-۲۴
- قرنیغ دادگی (۱۳۷۸). بندهشن. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس
- کربن، هانری (۱۳۸۷). انسان نورانی در تصوف ایرانی. ترجمه فرامرز جواهری نیا. چاپ دوم. شیراز: آموزگار خرد.
- کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۵۰). فتوتنامه سلطانی. به اهتمام محمدجعفر محبوب. چاپ اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کبری، نجم‌الدین (۱۹۹۳). فوائج الجمال و فوائج الجلال. ویراسته یوسف زیدان. قاهره: دار سعاد الصباح.
- گیلانی، عبدالقادر (۱۳۹۴). الغنیة لطالبی طریق الحق. ترجمه زاهد ویسی. سندج: آراس
- محمودی، خیراله؛ بخشی زاده، معصومه (۱۳۹۲). مزرع سبز فلک نگاهی انتقادی به شعر حافظ. هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادب فارسی. صص ۱۶۱۲-۱۶۲۳
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی واداری در دوره قاجاری، از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه، (ج ۱). چاپ ۶. تهران: زوار.
- مونسی سرخه، مریم و همکاران (۱۳۹۴). نوع لباس و نمادهای رنگ در عرفان اسلامی. هنرهای زیبا. دوره ۲. ش. ۴۴. ۱۴-۵
- میبدی، ابوالفضل (۱۳۷۱). کشف‌الاسرار و عده‌الابرار. به اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- نیکوبخت، ناصر؛ قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۷). سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی اسلامی. مطالعات عرفانی. شماره ۸. صص ۱۸۳ - ۲۱۲